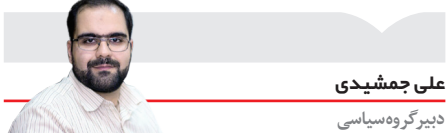


امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

با آمدن دموکرات‌ها مشکل برجام حل نخواهد شد



علی جمشیدی

دبیر گروه سیاسی

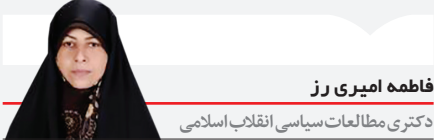
امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا در گفت‌وگو با «فرهیختگان» آینده چالش‌های سیاسی میان ایران و آمریکا را بررسی کرده‌و به تحلیل وقایع داخلی آمریکا و تأثیرات آنها بر سیاست خارجی این کشور در قبال ایران پرداخت. او معتقد است با تغییر دموکرات و جمهوریخواه، تفاوتی در تعامل با ایران و حل معضلات فی‌مابین ایجاد نخواهد شد. مشروح این گفت‌وگو در ادامه از نظر می‌گذرد.

۱۱۱

گام چهارم ایران تا چند روز دیگر برداشته می‌شود و از سوی دیگر به ایالات متحده و سیاستمداران آن وارد فاز انتخاباتی شده‌اند. از نظر شما از اینجا به بعد امکان دارد اتفاق خاص و رویه جلویی در مساله برجام که اروپایی‌ها آن را منوط به نظر آمریکایی‌ها کردند، بیفتد یا تغییری نسبت به وضعیت کنونی ایجاد شود؟

خیر. به نظر من دو پارامتری که از آن یاد کردید یعنی گام چهارم از طرف ایران و برگزاری انتخابات از سوی آمریکا هیچ کدام ظرفیت تغییر وضعیت کنونی را ندارند. گام چهارم را که ایران اعلام کرده به لحاظ کمی و کیفی یک تحول بسیار بزرگ و به قول معروف نقطه‌عطفی نیست. از سویی ایران هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی برنامه‌های هسته‌ای خود را پیش می‌برد و تعهدات برجامی خود را به شکل تدریجی کاهش می‌دهد اما این تغییرات به گونه‌ای نیست- حداقل براساس آن چیزی که در رسانه‌ها گمانه‌زنی شده- که آمریکا را در معرض مواجهه با دستپایی ایران به سلاح اتمی قرار دهد. در عین حال انتخابات آمریکا هم طوری نیست که دونالد ترامپ را وادار کند در سیاست فشاری خود در قبال ایران تحول اساسی ایجاد کند. می‌توان گفت تا آینده قابل‌پیش‌بینی وضعیت به همین شکل ادامه خواهد داشت. تحریم‌ها تشدید خواهد شد، البته تشدید تحریم‌ها بیشتر به شکل نمادین انجام می‌شود چون آمریکا بعد از اعمال تحریم‌های نفتی و تحریم‌های مالی و بانکی عملاً تمام اقتصاد ایران را تحت تحریم قرار داده و افزون نام شرکت‌ها یا بخش‌های مختلف اقتصادی خیلی تحول بزرگی نیست، یعنی تأثیر اساسی بر اقتصاد ایران ندارد. در عین حال ایران هم قصد دارد به شکل تدریجی تعهدات خود

گزارش



فاطمه امیری رز

دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی

یکی از ابهام‌ها و به عبارت دیگر توهم‌های امروز -به‌ویژه میان نسل منقطع از تاریخ معاصر ایران- این است که خصومت میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده ریشه در انقلاب اسلامی و سیاست‌های استکبارستیز انقلاب اسلامی و به عبارت عامیانه‌تر، شعار «مرگ بر آمریکا» دارد. در برداشت عامیانه و متناقض دیگر، دلیل شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی عدم حمایت ایالات متحده از محمدرضا پهلوی عنوان می‌شود تا از این مستبد خودباخته پهلوی، چهره‌ای قهرمان و وطن‌دوست ترسیم شود. تامل در روابط ایران و آمریکا در مقطع قبل از انقلاب اسلامی، بسیاری واقعیت‌ها را روشن می‌کند؛ آمریکا در حالی در کودتای ۲۸ مرداد علیه دولت محمد مصدق وارد شد که دولت مذکور هیچ شعار یا یک‌برنامه اسلامی نداشت. در این‌دادش تحولات روابط سیاسی ایران و آمریکا در مقطع قبل از انقلاب اسلامی (از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۳۵۷) را با چارچوب تحلیلی مرور می‌کنیم. در ادبیات تاریخ روابط بین‌الملل این عبارت رایج است که «قرن نوزده، قرن اروپایی است» به درستی هم چنین است، تا اوایل قرن بیستم قدرت‌های مهم و تأثیرگذار سیاست‌های جهانی، دولت‌های قدرتمند اروپا ازجمله بریتانیای کبیر، روسیه تزاری، امپراتوری اتریش، فرانسه و... بودند. ایالات متحده از اواسط قرن بیستم به‌ویژه به عنوان میراث‌خوار جنگ جهانی دوم، در چهره‌یکی از ابرقدرت‌ها ظاهر شد. از این‌رو تاریخ روابط ایران و آمریکا نیز از همین مقطع زمانی قابل بررسی است. به‌طور کلی سیاست‌ها و استراتژی ایالات متحده نسبت به ایران از جنگ جهانی اول تا پیروزی انقلاب اسلامی را می‌توان در چند محور بررسی کرد.

۹ تلاش برای کسب وجهه و جست‌وجوی راه نفوذ
نفوذ طولانی‌مدت انگلیس و روس در عرصه سیاسی و میان سیاستمداران ایران، کار را برای آمریکای تازه به دوران رسیده دشوار کرده بود، از این‌رو ابتدا با سیاست دوستی و حمایت از ایران وارد شدند. برخی سیاست‌های ایالات متحده در قبال ایران در این چارچوب قابل درک است از جمله: ۱. حمایت از ایران در جریان کنفرانس صلح ورسای پس از جنگ جهانی اول، ۲. حمایت از ایران در جریان بستن قرارداد ۱۹۱۹ توسط انگلیس که ایران را عملاً در تحت‌الحمایگی انگلیس قرار می‌داد، همین سیاست‌ها بود که موجب خوش‌بینی برخی سیاستمداران وقت به ایالات متحده شد و قوام السلطنه تا آستانه اعطای امتیاز نفت شمال به شرکت آمریکایی پیش رفت، امتیازی که به دلایلی به نتیجه نرسید. سپس قوام به سیاست استقراض از آمریکا و استخدام مستشار آمریکایی متماثل شد.

را کاهش دهد. آنچه آمریکایی‌ها پیش از برجام از آن به عنوان زمان گریز هسته‌ای یاد می‌کردند و می‌گفتند ایران تا ساخت سلاح هسته‌ای فاصله دارد، الان حتی با برداشتن گام چهارم زمان خیلی زیادی برای رسیدن به آن مرحله وجود دارد و به نظر نمی‌رسد اینها عاملی باشند تا دولت آمریکا را وادار کنند در سیاست‌های خود تغییری ایجاد کند.

۹ اروپا هیچ‌کاره است
این توضیحات به این معناست که اروپایی‌ها هم تغییری در موضع کنونی خود ایجاد نمی‌کنند؟

تکلیف اروپا از همان ابتدا مشخص بود. اروپا بدون اذن و اجازه آمریکا حتی یک دلار هم نمی‌تواند پول برای ایران جابه‌جا کند. برای ایران قبل از اینکه وارد فازهایی موسوم به گام‌های اول، دوم و سوم شود، مشخص بود اگر آمریکا آماده کاهش در فشار حداکثری خود در قبال ایران نباشد اروپا هیچ قدمی نمی‌تواند بردارد. گام چهارم، پنجم و ششم هم همین‌طور است. تکلیف اروپا مشخص است. مشکل در روابط تهران و واشنگتن باید حل و فصل شود که یا به وخامت اوضاع می‌انجامد یا باعث گشایشی می‌شود ولی طرف سوم یعنی اروپایی‌ها قادر نیستند پلی بین تهران و واشنگتن بزنند و بخواهند بدون نادیده گرفتن خشم واشنگتن انتظارات ایران را برآورده کنند، بنابراین از اساس موضوع اروپا از این مساله خارج می‌شود.

توضیحات دو سوالی که پرسیدم و شما بیان کردید به این معناست که تا پایان ۲۰۲۰ وضعیت به احتمال قوی همین فرآیند خواهد بود؟

واقعاً نمی‌توان تاریخی تعیین کرد. من معتقدم زمانی برجام حاصل شد که توازن وحشت بین ایران و آمریکا برقرار شد. از یک‌سو ایران به شدت نگران بود فشار تحریم‌ها به‌خصوص تحریم‌های شورای امنیت اقتصاد ایران را در معرض فروپاشی قرار دهد و از سوی دیگر آمریکایی‌ها نگران بودند ایران در آستانه دستپایی به سلاح اتمی قرار بگیرد. در آن زمان ایران اگر اشتباه نکنم هزار و ۸۰۰ کیلو اورانیوم غنی شده داشت که به گفته و ادعای آمریکایی‌ها برای ساخت دو تا سه بمب طی دو تا سه هفته کفایت می‌کرد، البته ایران بارها اعلام کرده قصد ساخت سلاح اتمی را ندارد و در بالاترین سطوح توسط رهبر جمهوری اسلامی هم بیان شده است ولی این نکته‌ای نیست که آمریکایی‌ها به آن اکتفا کنند و این ادعا را



پرونده ویژه چهل سالگی انقلاب دوم



۹ عزل ترامپ بسیار بعید است
اساساً عدم حضور آقای ترامپ در کاخ سفید، چه در کوتاه‌مدت مساله استیضاح و چه در بلندمدت مساله انتخابات، مطرح است؟
استیضاح قریب به یقین است ولی در آمریکا استیضاح به منزله برکنارشدن نیست یعنی دادگاه رسیدگی به پرونده آقای ترامپ در مورد موضوع اوکراین حتماً در سنا برگزار می‌شود اما دموکرات‌ها برای اینکه آقای ترامپ را برکنار کنند باید رای ۲۰ سناتور جمهوریخواه را داشته باشند که بسیار دور از ذهن است مگر اینکه طی تحقیقاتی که هفته‌های اخیر در جریان است، اسنادی فاش شود که جرم آقای ترامپ را کاملاً محرز کند و نوعی کودتا درون حزب جمهوریخواه علیه رئیس‌جمهور هم حزبی شکل گیرد. من این را خیلی بعید می‌دانم، در حد معجزه‌ای می‌دانم که رخ دهد یا رخداد عجیب و غریبی است والا براساس روند کنونی آقای ترامپ در استیضاح و در جلسه دادگاه موفق می‌شود و رای لازم را به دست می‌آورد و در سمت خود باقی می‌ماند. در انتخابات هم شرایط کنونی نشان می‌دهد وضعیت آقای ترامپ در انتخابات شرایط مطلوبی است. وضعیت اقتصادی و وضعیت مهاجرت و مباحث مربوط به مهاجرت به نفع آقای ترامپ است. به نظر نمی‌رسد فعلاً خطر فوری آقای ترامپ را تهدید کند ولی انتخابات معمولاً در آمریکا شگفتی‌ساز هم هست و باید منتظر بود نامزد نهایی دموکرات‌ها چه کسی خواهد شد. اگر آقای بایدن باشد احتمالاً آقای ترامپ پیروز خواهد شد. تحلیل من این است که شخصی همانند آقای جو بایدن نمی‌تواند آقای ترامپ را شکست دهد. اینکه چه کسی از گردونه رقابت درون حزبی دموکرات‌ها بیرون آید هم مشخص نیست. مساله اینکه نامزد دموکرات چه کسی باشد خیلی تعیین‌کننده است و فعلاً نمی‌شود درباره انتخابات صحبت کرد، چون تکلیف نامزد دموکرات‌ها هنوز مشخص نشده است.

۹ با حضور دموکرات‌ها شرایط برجام تغییری نخواهد کرد
با تغییر آقای ترامپ چطور؟
این نکته را باید در نظر بگیرد، فقط مشکل آقای ترامپ نیست، نباید دچار این اشتباه بشویم که اگر ترامپ در انتخابات شکست خورد مشکل برطرف می‌شود. ممکن است دموکرات‌ها اگر دولت را تشکیل دهند در موضوع مسائل برجام نرمشی از خود نشان دهند اما مایه‌آزای آن نرمش را حتماً در حوزه‌های منطقه‌ای و موشکی و مسائل دفاعی و مسائل مربوط به رژیم پهناور استیستی تقویت می‌کنند و چه‌بسا شرایط بازگشت به دوران برجام هم در دولت دموکرات‌ها برای مدت طولانی به تعویق بیفتد.

به‌طور کلی اقدامات ایالات متحده در مواجهه با انقلاب اسلامی عبارت بودند از:

۱. سیاست دویپهلوی وادار کردن شاه به ایجاد فضای باز سیاسی برای باز شدن فضا به نفع لیبرال‌ها- به امید قدرت یافتن لیبرال‌ها در آستانه سرنگونی رژیم و در عین حال حمایت از رژیم در سرکوب معترضان (نقلابیون)
۲. تشکیل کنفرانس گودالوپ به همراه دیگر سران کشورهای غربی برای کاستن از شعله‌های انقلاب اسلامی و حفظ دولت بختیار
۳. دفاع رسمی آمریکا از کابینه نظامی‌ازاری که جهت سرکوب راهبر،د، گزینه قطعی آمریکا در مواجهه با انقلاب نبود. برخی تحلیل‌های عوامانه به‌ویژه در فضای مجازی با تکیه به همین امر، آمریکا را در شکست رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی سهیم و موثر می‌دانند اما تحولات تاریخی، واقعیت دیگری را نشان می‌دهد. جیمی کارتر همانند دیگر رئیس‌جمهورهای دموکرات آمریکا، راه‌حل مسالمت‌آمیز را برای سد نفوذ کمونیسم مناسب‌تر می‌دانست، از این‌رو در قالب سیاست حقوق بشر، کشورهای تحت نفوذ آمریکا را وادار به اتخاذ سیاست‌های حقوق بشری در برخورد با مخالفان کرد. برخی ایجاد فضای باز سیاسی از سوی محمد رضا شاه در جریان انقلاب اسلامی را مرتبط با این سیاست حقوق بشر کارتری می‌دانند که از بدشائسی شاه، این سیاست آمریکایی همزمان با موج اعتراضات انقلابی ایران بود، موجی که آمریکا از قدرت آن آگاه نبود و شاه چاره‌ای جز همراهی با سیاست کارتر نداشت. اما اولاً تحلیل‌گرانی حتی میان آمریکایی‌ها معتقدند ایران از سیاست حقوق بشر کارتر استثنا شده بود. دوم اینکه سیاست فضای باز شاه حتی اگر به توصیه آمریکایی‌ها صورت گرفته باشد، بیشتر به نفع جریان‌های لیبرال مخالف شاه بود و تأثیری در فعالیت جریان‌های مذهبی و روحانیت نداشت. به عبارت دیگر، آمریکایی‌ها که هیچ‌گاه دوست یا دشمن دائمی ندارند، زمانی که احتمال سرنگونی شاه را می‌دانند، ترجیح دادند این سرنگونی به نفع جریان‌ها و احزاب لیبرال و غرب‌گرا تمام شود. اما به هر صورت زمانی که آمریکایی‌ها عمق خطر انقلاب را احساس کردند، رویکرد خودشان را تغییر دادند. همزمان با تشدید تظاهرات مردمی به‌ویژه تظاهرات مردم و دانشجویان در ۱۶ آذر ۵۷ که در اعتراض به سفر نیکسون به ایران رخ داد، کارتر اعلام کرد «ترجیح می‌دهم شاه همچنان نقش مهمی را برعهده داشته باشد ولی دهم مساله‌ای است که باید مردم ایران درباره‌اش تصمیم بگیرند.»^۲ به دنبال آن مقامات آمریکایی اعلام کردند: «بدون آنکه رغبتی به دخالت در امور ایران داشته باشند، با اعزام نمایندگان فعالیت خود را برای یاری رساندن به شاه در جهت تشکیل یک دولت غیرنظامی آغاز کرده‌اند.»^۳
۴. تسلیح پیمان ننگین بغداد (سنتو) با ایران
۵. سیل مهمات اسلحه‌های آمریکایی به سمت ایران
۶. انواع قراردادهای اقتصادی و ایجاد اقتصاد کمپرادور در ایران
۷. تصویب کلیتوا لاسیون (اعطای مصونیت سیاسی به پرسنل نظامی آمریکا و خانواده‌هایشان)

باید مذاکره زیر فشار انجام شود یعنی آماده نشان دادن حسن نیت از یک نوع نرمشی پیش از رسیدن به خواسته‌های خود نیست. در مورد کره شمالی هم این‌طور بود که اعلام کرد تمام خواسته‌های ما باید برآورده و راستی آزمایی شود و بازگشت ناپذیری آنها باید به اثبات برسد، بعد از آن است که بحث کنار گذاشتن تحریم‌های آمریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین اگر بخواهد همان الگو را در قبال ایران پیش بگیرد به احتمال قریب به یقین ایران هم تن به این مسیر نخواهد داد و به تدریج گام‌های بعدی را برای کاهش تعهدات خود برمی‌دارد. این اقدام ایران حتماً باعث واکنش آمریکایی‌ها می‌شود و آنها در مواضع سرسختانه خود سرسخت‌تر خواهند شد، چون هم برای ایران و هم برای آمریکا موضوع حیثیتی شده، جدای از اینکه مباحث امنیتی است و مسائل اقتصادی و ژئواستراتژیک است ولی برای هر دو طرف موضوع حیثیتی است و هیچ‌کدام حاضر نیستند قدم اول را بردارند به‌ویژه اینکه اطمینان نداشته باشند طرف مقابل حسن نیت داشته باشد ولی فکر نمی‌کنم سیاست دولت آقای ترامپ تغییری کند.

۹ ترامپ بر مذاکره توام با فشار اعتقاد دارد
با شناختی که از دولت آقای ترامپ وجود دارد به نظر شما تا زمانی که او در کاخ سفید است، مذاکره جدید یا برجام جدیدی یا شبه برجامی یا شبه مذاکره‌ای امکان دارد اتفاق بیفتد؟
از سوی آقای ترامپ تکلیف مشخص است. آقای ترامپ قویاً دنبال یک برجام دوم است، حالا حتی اسم آن را ممکن است بخواهد کنار بگذارد چون آقای ترامپ با اسامی هم قدری مشکل دارد. در مورد نفتا هم همین کار را کرد. تکلیف او مشخص است و می‌گوید یک بار دیگر مذاکره کنیم، اما می‌گوید مذاکره هسته‌ای و غیرهسته‌ای و تمام موضوعات ایران و آمریکا را در بر بگیرد ولی بحث او این است که

رابطه ایران و آمریکا قبل از انقلاب اسلامی

از ماسک خوشنامی تا سلطه تمام‌عیار

ایران بعد از کودتا عبارتند از:

۱. در شهریور سال کودتا (۱۳۳۲) دولت زاهدی رسماً از آمریکا درخواست کمک مالی کرد و آمریکا با پرداخت ۴۵ میلیون دلار وام به ایران موافقت کرد. در همان مقطع نیکسون، معاون رئیس‌جمهور وقت آمریکا در راس هیاتی وارد ایران شد.
۲. در قرارداد مسکسیوم که بعد از کودتا برای فروش نفت ایران بسته شد، ۵۵ درصد نفت ایران به شرکت‌های آمریکایی و ۴۵ درصد هم به انگلیسی‌ها واگذار شد.
۳. در سال ۱۹۵۹ آمریکا قراردادی را با ایران به امضا رساند، که به موجب آن آمریکا متعهد شد در صورت تجاوز خارجی (شوری) به ایران از استقلال و تمامیت ارضی آن دفاع کند و در دسامبر همین سال (۱۹۵۹) در جهت تحکیم روابط هرچه بیشتر ایران و آمریکا، آیزن‌هاور، رئیس‌جمهور وقت آمریکا به ایران سفر کرد.

۹ اعمال سلطه کامل سیاسی و امنیتی
هرچه از کودتای ۲۸ مرداد دور می‌شویم، نفوذ آمریکایی‌ها بیشتر می‌شود شاه که تخت و تاج خود را مدیون آمریکایی‌ها بود، چاره‌ای جز کنار آمدن با سلطه‌طلبی آمریکایی‌ها نداشت. با روی کار آمدن کندی، آمریکایی‌ها برای ایجاد سد نفوذ در برابر کمونیسم، خواب جدیدی برای ایران دیدند و آن اصلاحات اقتصادی بود. ابتدا امینی مامور این سیاست جدید شد، اما شاه از قدرت‌گیری امینی احساس خطر کرد و ماموریت اصلاحات را در قالب انقلاب سفید، خود عهده‌دار شد. اصلاحات آمریکایی که به عنوان انقلاب سفید به فراندوم گذاشته شد، ظاهر فریبنده‌ای مانند واگذاری زمین به کشاورزان و سهم‌کردن کارگران در سود کارخانه‌ها را به همراه داشت، اما به عنوان یک طرح غیربومی و دیکته آمریکایی، نتیجه عکس داد و خروجی آن نابودی کشاورزی ایران و سیل مهاجرت به شهرها بود. مهم‌ترین سیاست‌های ایالت متحده برای تحکیم سلطه و نفوذ در ایران در این مقطع تا پیروزی انقلاب اسلامی عبارت بود از:
۱. تحمیل طرح اصلاحات اقتصادی غیربومی و تبدیل اقتصاد کشاورز محروم به اقتصاد واردات‌محور
۲. اجبار شاه برای اعزام نیرو جهت سرکوب ظفار عمان به نمایندگی از آمریکا
۳. انعقاد پیمان ننگین بغداد (سنتو) با ایران
۴. سیل مهمات اسلحه‌های آمریکایی به سمت ایران
۵. انواع قراردادهای اقتصادی و ایجاد اقتصاد کمپرادور در ایران
۶. تصویب کلیتوا لاسیون (اعطای مصونیت سیاسی به پرسنل نظامی آمریکا و خانواده‌هایشان)